# منا؛ قربانگاه عاشقان خدا


عکس: AFP

**سعیدبرآبادی:** روی نخست سکه اتفاق تلخ «منا» اشک و اندوه و اضطراب بی‌پایان مردمانی است که در طول ساعت‌های پس از انتشار این خبر، نمی‌دانستند بستگان‌شان در سرزمین امن الهی زنده‌اند یا نه. اما پس از سیاه‌پوشی و مویه بر مرگ ۱۳۱ ایرانی کشته‌شده در این حادثه، روی دیگر سکه، خیلی زود خودنمایی کرد؛ موج پیامدها و واکنش‌های کاربران ایرانی در شبکه‌های مجازی. گروهی که از پیش، به دنبال فرصتی بودند تا شأن و منزلت این سفر روحانی را زیر سؤال ببرند، از سوءمدیریت مسئولان عربستان سوءاستفاده کردند و بنای مخالفت با سفر به سرزمین وحی را در فیس‌بوک، توییتر و تلگرام گذاشتند. اما گروهی دیگر که وطن‌پرست‌های افراطی بودند، دست به دامن خاطرات جمعی ایرانی‌ها از بدرفتاری آل‌سعود با حجاج ایرانی شدند تا بگویند این سفر به زحمت و فروتنی اجباری‌اش پیش شرطه‌های عرب نمی‌ارزد و کم‌کم بازار حرف‌های نژادپرستانه قوت گرفت. دراین‌میان، گروهی متفاوت با دو گروه قبلی، حرمت سیاه‌پوشی زوارهای ایرانی و خانواده‌های ماتم‌زده‌شان را در وطن نادیده گرفتند تا از این آب گل‌آلود ماهی خود را صید کنند.

واکنش‌های متفاوت به این اتفاق تلخ اما محدود به همین پیام‌گذاری در شبکه‌های مجازی نمی‌شود؛ چند آمار درباره میزان سفرهای ایرانی‌ها به عربستان و ترکیه منتشر شد که هنوز هم در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست می‌چرخد و کسی نمی‌داند واقعا هر سال حدود شش میلیون ایرانی به ترکیه و ۸۰۰ هزار نفر به حج عمره می‌روند یا نه. سکوت مسئولان هم مزیدبرعلت شده و دامنه شایعه‌ها هر روز بیشتر از قبل می‌شود؛ بازار شایعه به‌ویژه درباره فیش‌های حج داغ‌داغ است و عجیب اینجاست مسئولان عربستان به جای پاسخ‌گویی در برابر این حادثه تلخ، با راه‌انداختن هشتک «ایرانی‌ها، حجاج را کشتند» و انتشار فیلم‌هایی از سه سال پیش که در آن یک گروه ایرانی، مسئول بهم‌زدن نظم اعمال حج بودند، به‌دنبال پاک‌کردن لکه خون بیش از دو هزار کشته از روی صورت خود هستند.

یکی از جالب‌ترین واکنش‌ها، انتشار بریده روزنامه‌های زمان انقلاب است که در آن، مسئولان نظام بازسازی کشور را - در آن شرایط- مهم‌تر از حج قلمداد کرده‌اند. اگرچه این تصاویر آرشیوی قابل استناد نیستند و کسی درستی یا اشتباه آنها را با ذکر منبع یادآور نشده، اما انتشار فیلم‌هایی از سوانح رخ‌داده در حج سال ۲۰۰۴، کاملا غرض‌آمیز و با اهداف منحرف‌کننده‌ای در حال دست‌به‌دست‌شدن است. از این نمونه‌ها کم نیست، چراکه بحث داغ این روزهای متروها و تاکسی‌ها هم همین پرسش است مردم به‌درستی نمی‌دانند در برابر فاجعه «منا» باید چه واکنشی داشته باشند. تا اینجای کار، رهبر معظم انقلاب، با درایت و در پیامی فوری، علاوه بر محکوم‌کردن دولت سعودی، با مصیبت‌دیدگان این حادثه ابراز همدردی کرده‌اند و در دولت، کارگروهی برای بررسی ابعاد فاجعه به راه افتاده، اما دراین‌میان مردم هنوز با پیامدها و پیامک‌هایی مواجهند که در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست می‌چرخد یا ممکن است به موج تازه‌ای از افراط‌وتفریط در برخورد با عاملان این حادثه منجر شده یا بعید نیست به تیرگی بیشتر روابط ایران و عربستان ختم شود.

## گفت‌وگو با محمدتقی فاضل‌میبدی درباره فاجعه منا

# سیاست اخلاقی و دینی راه‌حل است

**مهسا علی‌بیگی: کشته‌شدن صدها نفر در مراسم رمی‌جمرات امسال در منا، دل مسلمانان بسیاری در سرتاسر جهان را به درد آورد. بلافاصله بعد از این فاجعه، نگاه‌ها به سمت علت‌ها و راه‌حل‌ها رفت. «محمدتقی فاضل‌میبدی» معتقد است درباره این فاجعه بیش از هر چیز باید به فکر راه‌حلی دیپلماتیک برای جلوگیری از اتفاقات مشابه بود. او می‌گوید برخی واکنش‌های ایجادشده در روزهای اخیر سیاسی است که به‌دور از اخلاق و دین است.**

**واکنش‌های ابرازشده به فاجعه منا را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

در میان واکنش‌هایی که به این فاجعه تاکنون نشان داده‌شده است، معتقدم روشی که بعضی رسانه‌ها به‌ویژه صداوسیما پیش گرفته‌اند، روش درستی نیست اینکه بخواهیم سر فاجعه‌ای که پیش آمده تسویه‌حساب سیاسی کنیم، به‌نفع هیچ‌کس نیست. من نمی‌خواهم نقش دولت عربستان در بروز این فاجعه را نادیده بگیرم و همان‌طور که رهبر انقلاب تأکید کردند، این فاجعه نتیجه مستقیم سوءمدیریت دولت عربستان سعودی است و شکی نیست مسئولان عربستان سعودی که هرساله میزبان پنج‌میلیون نفر از سرتاسر دنیا برای انجام مراسم حج هستند، باید شرایط و امکانات را به‌گونه‌ای فراهم کنند که چنین اتفاقاتی روی ندهد. اما درعین‌حال، این حادثه نباید منجر به این شود که رسانه‌های ما سیاست ضدعرب پیش بگیرند و خواهان کناره‌گیری حکام عربستان سعودی شوند. چنین واکنشی در شأن دیپلماسی ایران نیست و از لحن دیپلماتیک به دور است. البته در این زمینه، واکنش وزارت امور خارجه کشورمان، سخنرانی رئیس‌جمهور و همچنین بیانیه معاون‌اول رئیس‌جمهور کاملا بجا و مناسب بود، اما برخی رسانه‌ها این موضوع را کاملا سیاسی کرده‌اند.

**سیاسی‌کاری در زمینه چنین اتفاقاتی چه تأثیراتی دارد؟**

سیاسی‌کاری در این زمینه باعث ایجاد فاصله بین ایران و عربستان و ملت دو کشور می‌شود و اینکه فاصله بیشتر و شکاف عمیق‌تر شود، نه به‌نفع ایرانی‌ها و نه به‌نفع ملت عرب است. اولین تأثیر این اتفاق این است که اخوت بین مسلمانان از بین می‌رود. هر ساله مسلمانان ایرانی بسیاری به مکه می‌روند، اگر این افراد با یک بغض نسبت به برادران دینی خود به مکه بروند، هم شعار اسلامی برادری از بین می‌رود و هم فلسفه حج. علاوه‌بر این، در منطقه خاورمیانه کشورهای عربی بسیاری پیرامون کشور ما وجود دارد؛ از قطر و امارات گرفته تا مصر و... . در این کشورها ایرانی‌های زیادی زندگی می‌کنند. به‌علاوه، ما روابط اقتصادی با برخی از این کشورها داریم. همه اینها در کنار وحدت ایدئولوژیکی که ایران با کشورهای عربی دارد، باعث می‌شود ایران روابطش را با این کشورها حفظ کند و با نگاه سیاسی به این‌گونه اتفاقات، مشکلات را بدتر نکند. بلکه باید به‌جای قیام‌کردن علیه عربستان سعودی به فکر همکاری با این کشور برای حل این مشکلات باشیم. معتقدم با برقراری یک رابطه دیپلماتیک صحیح می‌توان اتفاقی که تاکنون چندین‌بار روی داده است را طرح و آن را حل کرد. اینکه بگوییم اینها باید بروند، ادبیات دیپلماتیک نیست؛ باید کاری کنیم که دیگر فجایعی نظیر این تکرار نشود.

**آیا اساسا امکان کنارگذاشتن سیاست از این مسئله وجود دارد، مخصوصا اینکه هم در رویدادهای تاریخی و هم درحال‌حاضر سیاست‌های عربستان سعودی در منطقه در بسیاری مواقع مخالف و متضاد با سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران بوده و هست؟**

با اتخاذکردن سیاست‌های تند مشکل که تأمین امنیت جانی حجاج است، حل نمی‌شود. بخشی از این مشکلات با تغییر نگاه ما قابل‌حل است. آیا فاصله ما با عربستان سعودی بیشتر از فاصله با کشورهای غربی و مخصوصا آمریکاست؟ فاصله ما با کشورهای ۵+۱ مخصوصا در هشت سال دولت گذشته بسیار زیاد شده بود بااین‌حال، ایران با این کشورها سر موضوع مهمی مثل مسئله هسته‌ای سر یک میز نشست و مذاکره کرد و نتیجه هم گرفت. این مشکل غیرقابل‌حل‌تر از مسئله هسته‌ای نیست و سران کشورهای اسلامی می‌توانند درباره آن با هم مذاکره کنند مگر اینکه رسانه‌ها بخواهند این بی‌اعتمادی را تشدید کنند. درحال‌حاضر کشور عربستان از دو جهت برای ما مهم است؛ اولا عربستان سرزمین وحی است و دوم اینکه ما نمی‌توانیم هر سال صدهزار ایرانی را با چنین بغضی به عربستان بفرستیم.

**چرا برخی رسانه‌ها این روش را که از آن نام بردید، در پیش گرفته‌اند؟**

از نظر من برخی رسانه‌ها، منافعشان در این است که رابطه ما با جهان بدتر شود تا دولت را منزوی کنند. اولین ضرر این سیاسی‌کاری برای دولت یازدهم و رئیس‌جمهور است که درحال‌حاضر در نیویورک است. این اتفاق باعث می‌شود که در جامعه جهانی این نگاه ایجاد شود که رابطه بزرگ‌ترین کشور شیعه، در منطقه خاورمیانه با کشورهای پیرامونش مساعد نیست. از نظر من ایران باید رابطه‌اش با دو کشور عربی؛ یکی عربستان و دیگری مصر را بهبود بخشد. این دشمنی با عربستان سر این فاجعه خطرناک است و روی مردم هم تأثیر می‌گذارد. درصورتی‌که می‌توان این فاجعه را یک مسئله بین‌المللی تلقی کرد و با تدبیر کشورهای اسلامی و سازمان‌ملل برای حل آن فکر کرد. آیات قرآن همواره همه ما را دعوت می‌کند که کنار هم باشیم. اسلامی که معتقد است همه ادیان می‌توانند زیر یک پرچم جمع شوند، باید برای خود ما مسلمانان بیشتر الگو باشد. الان شقوق غیرضروری در اسلام در منطقه ایجاد شده است که تنها نفعش نصیب اسرائیل می‌شود. اگر همه کشورهای منطقه، مصالح اسلامی و ملی‌شان را در نظر بگیرند و فقط به فکر بقای خودشان نباشند، این مشکلات قابل‌حل خواهد بود. ما باید سیاستمان دینی باشد. اگر بخواهیم سیاست را تابع اخلاق و دین کنیم، مشکلمان حل می‌شود اما اگر برعکس باشد همین می‌شود که می‌بینید.

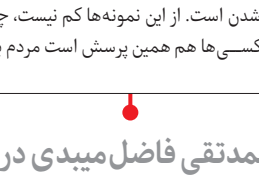
**به‌جز همکاری سیاسی برای حل این مشکل، چه راهکار دیگری می‌توان برای جلوگیری از وقوع چنین اتفاقاتی در نظر گرفت؟**

یکی از اقداماتی که در این زمینه می‌توان انجام داد، حل مسئله از منظر فقهی است. علمای مسلمان می‌توانند احکام حج در این زمینه را تغییر دهند به‌گونه‌ای که زمان و مکان رمی جمرات توسعه پیدا کند. درحال‌حاضر خانم‌ها در ساعات مشخصی می‌توانند در منا حضور پیدا کنند که شب‌هاست. این ساعات می‌تواند با هماهنگی برای آقایان نیز گسترش پیدا کند. همچنین ستونی که برای رمی جمرات در نظر گرفته شده یک مکان نمادین است و به همین دلیل می‌توان احکام را طوری تغییر داد که در محدوده منا چندین ستون ایجاد شود و رمی جمرات منحصر به مکان و زمان خاصی نشود.

**در فقه اسلامی ظرفیتی برای تغییر این‌گونه احکام وجود دارد؟**

بله، در اسلام هرگاه خوف و ترس جان باشد، احکام می‌توانند تغییر کنند. برای مثال چرا کسی که مریض است می‌تواند روزه نگیرد؟ زیرا خوف جان، خطر مرگ و پیشامد در اینجا می‌رود و هر کجا که چنین باشد حکم می‌تواند تغییر کند. اینکه حکم رمی جمره در یک محدوده محدود و در یک وقت محدود انجام شود را می‌توان تغییر داد زیرا تنها با گسترش امکانات و زیرساخت‌ها نمی‌توان این مشکل را حل کرد.

**نکته**



**این مشکل غیرقابل‌حل‌تر از مسئله هسته‌ای نیست و سران کشورهای اسلامی می‌توانند درباره آن با هم مذاکره کنند مگر اینکه رسانه‌ها بخواهند این بی‌اعتمادی را تشدید کنند**

## نگاه

# صلح را دریابیم

میترا امام*

چندروزی از روز جهانی صلح گذشته است اما هنوز فرصت هست تا حداقل یک روز به صلح بیندیشیم. بیندیشیم چگونه می‌توان کودکانی داشت که دغدغه صلح داشته و برای آن تلاش کنند. توسعه انسانی یعنی تربیت انسان‌های نو، توسعه انسانی در گرو امکانات نوسازی انسانی است یعنی آمادگی برای تجربیات تازه، نگرش‌ها، ارزش‌ها، تفکر انتقادی، استعداد برای نوآوری، مشارکت، آزاداندیشی، رعایت حیثیت انسانی و اعتماد به عدالت اجتماعی و این مهم به‌دست نمی‌آید مگر اینکه فرهنگ صلح را در میان کودکانمان نهادینه کنیم. کودک باید در محیطی امن رشد کند، تا بتواند صلح را دریابد. کودکی که در دوره جنینی با اضطراب مادر شریک می‌شود و کودکانی که از امکانات اولیه برای رفع نیازهای اولیه برخوردار نیستند، هیچ‌کدام محیط امنی را تجربه نمی‌کنند و از همان ابتدا احساس مقابله و جنگیدن برای بقا در وجودشان شکل می‌گیرد. کودکی که در خانه، حکومت مطلقه پدر یا مادر را درمی‌یابد، می‌فهمد که در ارتباط، قدرت مهم‌تر از گفتمان است. آموزشی که بر پایه رقابت، تنبیه و تشویق استوار است حداکثر توانش این است که افرادی تربیت کند که جز به منافع خویش نیندیشند. رقابت خود زمینه‌های جنگ را در افراد پرورش می‌دهد. جنگ تنها این نیست که سلاح به طرف یکدیگر نشانه رویم. وقتی ما منافع فردی خود را در تقابل و تضاد با دیگران می‌بینیم، باید به فکر حذف آنان باشیم. پس این آموزش کودک را به صلح رهنمون نمی‌شود. وظیفه آموزش و پرورش این است که فرهنگ تعامل و همزیستی را آموزش دهد. تعامل یعنی احترام به تنوع و تفاوت، باور به دگراندیشان، کودکان باید کار گروهی را بیاموزند و مشارکت در بین آنها نهادینه شود. یادمان باشد که یکی از شاخص‌های توسعه، تربیت انسان‌های نو و مدیریت مبتنی‌بر مشارکت است. برای حذف خشونت نباید از خشونت مدد گرفت، پس والدین و مربیانی که برای تربیتشان از تنبیه استفاده می‌کنند، مروج خشونت هستند نه صلح. باید همه نوع خشونت مانند ایجاد احساس گناه، تنبیه بدنی، خشونت کلامی و حتی نگاه‌های خشونت‌آمیز حذف شود. به‌جای اینکه درک تفاوت‌ها را به کودک بیاموزیم، انسان‌ها را به خاطر لهجه، قومیت، ملیت، رنگ پوست، چشم و... مسخره می‌کنیم، و چه بسیار خشونت در همین لطیفه‌های ماست! وقتی کودکی به‌خاطر نداشتن برگه هویت، از تحصیل محروم می‌شود، طعم تلخ تبعیض را از همان اوان کودکی می‌چشد، یعنی ما با صلح خیلی فاصله داریم. صلح یعنی همه کودکان باید از حق و حقوق عادلانه برخوردار شوند. محروم‌کردن کودک پناهنده و مهاجر از تحصیل با صلح منافات دارد. وقتی کودک معلول به‌خاطر بافت شهری نمی‌تواند در شهر به‌راحتی تردد کند. وقتی کودکی به‌خاطر فقر و کمبود امکانات مجبور به مهاجرت ناخواسته می‌شود. وقتی کودکی به‌خاطر فقر و مهاجرت اجباری مجبور به ترک تحصیل می‌شود. وقتی کودکی برای امرار معاش به چرخه کار وارد و از حق کودکی محروم می‌شود و... همه خشونت‌هایی هستند که امنیت درونی و بیرونی را از کودک سلب می‌کند و برای رسیدن به صلح باید برای رفع همه این مشکلات کوشید. صلح یعنی جامعه‌ای بدون هرگونه تبعیض، جامعه‌ای که کودک فقیر و غنی از امکانات موجود در آن بهره‌مند می‌شوند. صلح یعنی احساس یگانگی و این‌همانی با طبیعت، احترام به زمین. صلح یعنی فرهنگ گفت‌وگو و شکیبایی در شنیدن. صلح یعنی مقابله با آنچه مخالف حقوق‌بشر است. صلح یعنی برقراری ارتباط همدلانه و توجه به نیازهای همه.بیایید در ترویج فرهنگ صلح کوشا باشیم.

*** نماینده سازمان‌های مردم‌نهاد در اتاق فکر آیین‌نامه حمایت‌های اجتماعی از کودکان**

ادامه از صفحه ۱۰

# سیاست‌مداران ما باید پوتین را الگو قرار دهند

**نظر شما درباره اسلام و اسلام‌گرایی چیست؟ چه دیدگاهی درباره جنبش ضداسلامی «پگیدا» دارید که در کشورهای اروپایی به‌تازگی تظاهراتی را برگزار کرده است؟ آیا تمایزی میان اسلام و بنیادگرایی قائل هستید؟**

باید میان اسلام و بنیادگرایی تمایز قائل شد. اسلام به فلسفه عبادتی و ایمانی ارجاع دارد که صدها میلیون معتقد در سرتاسر جهان به فلسفه آن باور دارند و دومی به یک جریان خطرناک و افراطی اشاره دارد.

برای ما مسئله مهم ادغام مسلمانان فرانسه در جامعه است. مسلمانان فرانسوی پیش از مسلمان‌بودن، فرانسوی هستند و باید این‌گونه باشند. در فرانسه، قانون جمهوری بر قوانین خداوند و قانون الهی اولویت دارد.

ایجاد جنبش‌های «ضداسلامی»‌ای مانند پگیدا که شما بدان اشاره کردید، به‌گمانم نشان‌دهنده ضعف جامعه ما و شکستمان در ادغام و جذب مهاجران مسلمان در جامعه است. احساس نارضایتی می‌تواند بعضا برآمده از سنت‌ها و تاریخی باشد که سبب می‌شود تا برخی جوامع از پیمان جمهوری‌خواهانه نظام ما دور شوند یا آنکه بعضی از آنان احساس می‌کنند از سوی فرانسوی‌ها طرد شده‌اند. بنیادگرایی مذهبی و جنایات ارتکاب‌یافته توسط آن به نام اسلام، نیز خود سبب می‌شود تا نتوان روند تغییر افکار عمومی نسبت به مسلمانان و رفع دید بدبینانه را به سرانجام مطلوبی رساند.

**مارین لوپن در مصاحبه‌ای با شبکه خبری «الجزیره»، گفته بود مسلمانان باید نشان دهند اسلام سر ستیز با اصول جمهوری فرانسه ندارد. نظر شما در این‌باره چیست؟**

من نیز در این‌باره با دیدگاه مارین لوپن هم‌نظر هستم و فکر می‌کنم دیدگاه ما صددرصد با قانون اساسی فرانسه سازگاری دارد: کسانی که در خاک فرانسه زندگی می‌کنند و شهروندان فرانسه هستند، پیش از هر چیزی فرانسوی هستند، ما پیش از آنکه یهودی، مسلمان یا مسیحی باشیم، فرانسوی هستیم. این اساس و بنیاد سکولاریسم فرانسوی و پیمان جمهوری است که وحدت ملت ما را تضمین می‌کند.

بااین‌حال، به یاد داشته باشید فرانسه کشوری با ریشه‌های مسیحی باقی می‌ماند و نمی‌توان تاریخی دو هزار ساله را پاک کرد. مسلمانان باید تلاش کنند تا خود را به‌طور کامل و صد درصدی با قوانین جمهوری انطباق دهند. مذهب فقط به عرصه خصوصی تعلق دارد.

**رویکرد جبهه ملی فرانسه در عرصه سیاست خارجی به‌ویژه درباره سیاست دولت فرانسه در قبال لیبی و سوریه انتقادآمیز بوده است. ارزیابی شما از تحولات خاورمیانه چیست؟**

جنگ در عراق و انقلاب‌های عربی سبب شدند تا به تدریج نفوذ ما در خاورمیانه و به‌طور گسترده‌تر در جهان عربی افزایش یابد. اکنون دولت فرانسه با غرور اعلام می‌کند همکاری‌هایش با قطر افزایش یافته است. اگرچه قطر کشوری ثروتمند و با منابع گازی فراوان و نفوذ بالا در خلیج‌فارس و حوزه‌های فراتر از آن است، بااین‌حال، سیاست عربی ما نمی‌تواند صرفا به همکاری با این امارت کوچک تقلیل یابد؛ آن هم کشوری با نظامی واقعا دیکتاتوری در دنیای مدرن امروزی ما.



احیای سیاست عربی ما باید ضامن ایجاد توازن در سیاست خاورمیانه‌ای ما باشد. اگر ما از تشکیل دولت فلسطین حمایت می‌کنیم، رژیم اسرائیل نیز باید تضمین دهد موجودیت آن دولت را به رسمیت می‌شناسد و ایمنی آن را تضمین می‌کند و ساخت شهرک‌های خود را در اراضی‌ای که متعلق به آن رژیم نیست یا در توافق‌های پیشین با سازمان ملل نیز مالکیت آن به رژیم اسرائیل داده نشده را متوقف کند. درهمان‌حال، فرانسه باید خطوط قرمز خود را مشخص کند. فرانسه در زمینه مذاکره با دولت‌های حامی تروریسم، حال هدف آن دولت هر کشور و هر دولتی که می‌خواهد باشد (آمریکا، اروپا، رژیم اسرائیل یا روسیه)، خود تصمیم‌گیری خواهد کرد. در این‌باره، از نظر ما، فرانسه باید تنها معیارش مبتنی بر ارزیابی‌های دستگاه‌های اطلاعاتی خویش باشد و نه ارزیابی‌های خارجی که اغلب مبتنی بر اطلاعات نادرست هستند (در قضیه عراق، ارزیابی دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا را به‌یاد آوریم).

جبهه ملی فرانسه در تلاش برای ایفای نقش میانجی و نیروی ایجادکننده توازن است. درنتیجه، در چنین مسیری، فرانسه در راستای تقویت صلح در جهان و افزایش نفوذ و اعتبار جهانی خود عمل خواهد کرد.

**چرا مارین لوپن و سایر اعضای جبهه ملی فرانسه، جامعه فرانسه را به «ما» و «دیگری» تقسیم بندی می‌کنند؟ چرا شما مسلمانان، یهودیان و کولی‌ها و... را دیگری قلمداد می‌کنید؟ آیا بر این باور نیستید انسان‌ها برابر هستند؟ آیا گمان می‌کنید فرانسوی‌ها نژادی برتر در مقایسه با دیگر نژادها هستند؟**

بله، ما بر این باوریم که فرانسوی‌ها با یکدیگر برابر هستند. به شما یادآوری می‌کنم پیش از آنکه آنان بخواهند خود را به عنوان مسلمان، یهودی، کولی یا یک همجنس‌گرا بشناسانند، در فرانسه باید خود را به عنوان یک فرانسوی تعریف کنند.

تمام انسان‌ها برابر هستند. در قانون اساسی فرانسه تصریح شده هر فرانسوی آزاد به دنیا می‌آید و در حقوق برابر است. تمام فرانسوی‌ها به سبب گذشته و تاریخی که دارند، از موقعیت منحصربه‌فردی در جهان برخوردارند. از دید من، فرانسه زیباترین کشور جهان است. از دیدگاه من به عنوان یک میهن‌پرست فرانسوی، فرانسه قابل مقایسه با هیچ کشوری در جهان نیست.

ما مقایسه نمی‌کنیم. هر ملت و هر کشوری نقاط قوت، فرهنگ و میراث تاریخی خود را دارد. بااین‌حال، در سطح بین‌الملل من اطمینان دارم در قلب هر فرانسوی، فرانسه جایگاه خاص، بزرگ و منحصربه‌فردی دارد که برای مثال، کانادا آن جایگاه را ندارد. «ژول میشله»، یکی از مورخان معروف ما، می‌گوید: «اگر انگلستان یک امپراتوری و آلمان یک کشور است، فرانسه یک فرد است».

## امیلیا نرسیسیانس، استاد مردم شناسی دانشگاه تهران:

# وصله نژادپرستی به ایرانی‌ها نمی‌خورد

اعراب برای ایرانی‌ها غریبه نیستند. ایرانی‌ها هم اقلیت عرب در کشورشان دارند و هم از همان قرن اولیه ظهور اسلام در شبه‌جزیره عربستان با اسلام و پیروان عرب این دین آشنا شدند. با وجود این یکی از واکنش‌هایی که این روزها در میان مصلحان ماهواره‌نشین خارج از مرز درباره فاجعه منا دیده می‌شود، به‌شدت رنگ‌وبوی نژادپرستی ضدعرب دارد. این گروه با توسل به اشعار کهن و ضرب‌المثل‌های نخ‌نما تلاش می‌کنند بر بنیان رابطه با عربستان بتازند. جملاتی نظیر «تحریم رفتن به حج و عربستان و جلوگیری از خروج ثروت ملی» شاه‌کلید واکنش‌های این گروه است. از سوی دیگر تأکید بر جنبه‌های اصیل فرهنگ ایرانی و انتقاد از التقاط این فرهنگ با فرهنگ و ادبیات عرب، شالوده گفتمان نژادپرستی ضدعرب را می‌سازد. این گفتمان البته یک‌شبه ایجاد نشده است و فاجعه منا بهانه‌ای شده تا عده‌ای دوباره بر طبل آن بکوبند. اگر تاریخ این نگاه و رویکرد را پی بگیریم، می‌توانیم ریشه‌های آن را در باستانی‌گرایی و آریایی‌پیشگی پهلوی اول و دوم بیابیم. با این حال «امیلیا نرسیسیانس»، مدیر گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران معتقد است نژادپرستی و مخصوصا فرهنگ ضدعرب در میان ایرانیان وجود ندارد. او به «شرق» می‌گوید: «به گمان من چنین نژادپرستی‌ای در میان ایرانیان وجود ندارد، حتی در لحظات تاریخی خاصی که فرصت و امکان بروز نفرت نسبت به نژاد عرب بیشتر بوده است؛ مانند دوران جنگ هشت‌ساله بین ایران و عراق، مردم ایران هرگز چنین واکنشی نشان نداده‌اند. اتفاقا ایران ازجمله معدود کشورهایی است که تهمت نفرت از دیگران و وصله نژادپرستی به آن نمی‌خورد. مردم ایران نجیب‌تر از آن هستند که بخواهند چنین نگاهی داشته باشند مخصوصا اینکه ما اقلیت قومی عرب را در کشورمان داریم که در کمال دوستی و آشتی با دیگران زندگی می‌کنند».

این مردم‌شناس همچنین درباره واکنش مردم نسبت به فاجعه منا می‌گوید: «از طرفی فکر می‌کنم مردم مشغول‌تر از آن هستند که چنین نفرت‌هایی را در دل بپرورانند مگر اینکه این نفرت بخواهد از جایی به آنها تزریق شود، وگرنه از نظر مردم اتفاقی که روی داده، یک حادثه ناراحت‌کننده است و آنها برای ازدست‌رفتن هموطنان خود متأسف هستند». این در حالی است که در میان متخصصان حوزه رسانه، گاهی اوقات ترس و نگرانی از تأثیرگذاری این گفتمان و فرهنگ بر مخاطبان ایرانی برنامه‌های ماهواره‌ای و همچنین شبکه‌های اجتماعی وجود دارد. نرسیسیانس اما معتقد است اگرچه برای سنجش این تأثیرگذاری باید پژوهش و تحقیقات علمی و همه‌جانبه انجام شود اما تزریق یک اندیشه چندان هم کار راحتی نیست. او می‌گوید: «اینکه گروه یا افرادی بخواهند تفکری را به مردم تزریق کنند و بقبولانند، چندان قابل‌اتکا نیست زیرا تنها با حرف و حدیث نمی‌توان چیزی را در مردم تغییر داد، به همین دلیل باید تأکید کنم مردم ایران هرگز نژادپرست نبوده و نیستند و این پیام‌ها هم آنها را تبدیل به ضدعرب نمی‌کند».

## معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی:

# حرمت حرم را فراموش کرده‌اند

واژه حرم از «حرمت» می‌آید؛ واژه‌ای که در آن اهمیت بنا به‌عنوان یک مکان مقدس، تولیدکننده مفاهیمی نظیر «امنیت»، «آرامش» و «ثبات» است. بااین‌همه همان‌طور که بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی کرده بودند، طرح‌های توسعه‌ای در اطراف کعبه و مسجدالحرام، بدون درنظرگرفتن اهمیت این بنا، به نادیده‌گرفتن «حرمت» آن منجر شد تا جایی که حالا مرگ دوهزار انسان بی‌گناه در این محوطه دوباره نگاه‌ها را به‌سوی کشور عربستان جلب کرده است. از همان زمان که عربستان با انتشار عکس‌هایی از سازه‌های تازه‌طراحی‌شده در اطراف کعبه مسیر توسعه کعبه را نشان داد، بسیاری از فعالان میراث فرهنگی و کارشناسان درباره خطرات چنین سوگیری‌ای در توسعه این محدوده هشدار دادند. دکتر حسن طالبیان، معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، به «شرق» می‌گوید که احترام به حرمت بناهای مذهبی و فرهنگی اصلی‌ترین حلقه بروز حوادث اخیر است: «در هر گوشه‌ای از دنیا، اثری که یگانه و منحصربه‌فرد باشد، با درنظرگرفتن حریمی، مورد حرمت قرار می‌گیرد. معمولا در بررسی پیرامونی این آثار و محوطه‌ها- فارغ از اینکه به فهرست آثار یونسکو پیوسته باشد یا نه- شاهد این واقعیت هستیم که ارزش تاریخی و فرهنگی بنا، با توجه به عرصه و حریم ثبت‌شده اثر تحت‌نظارت دقیق قرار گرفته و سعی می‌شود از جهت منظری، عملکردی و ساختاری، تمام جزئیات و کلیت بنا برای سال‌ها و قرن‌ها محفوظ بماند». او معتقد است که «طرح‌های توسعه‌ای که در چندسال اخیر در مکه‌معظمه و مدینه‌منوره انجام شده » با جایگاه و شأن و حرمت این مکان همسو نبوده است: «اگرچه که استدلال مسئولان عربستان این است که براساس افزایش تقاضا، گسترش فضای خدماتی باید در اولویت قرار بگیرد اما به نظر می‌رسد که در روند توسعه این محوطه تاریخی، حرمت و شأن آن تا حدودی نادیده گرفته شده است. هیچ مسلمانی با توسعه فضاهای خدماتی در این دو شهر مخالف نیست اما اتفاقی که امروز در مکه افتاده، فروریختن حرمت خط آسمان و رشد هتل‌هایی است که برخلاف آیات قرآن، حتی از ساختمان کعبه هم افراشته‌تر هستند». به گفته طالبیان، مکه از دیرباز، الگوی معماری و شهرسازی خودش را داشته و اگر قرار است توسعه‌ای در آن صورت بگیرد باید براساس همین قواعد باشد، منتها طرح‌های مدرن اخیر، نه‌تنها فضای یکپارچه این مکان مقدس را دگرگون کرده‌اند بلکه در عرصه این بافت تاریخی و مذهبی، بسیاری از حرمت‌ها را زیر پا گذاشته‌اند. او همچنین معتقد است که «شاید به همین دلیل، مسئولان این کشور هیچ‌گاه تابه‌حال از سازمان یونسکو برای ثبت جهانی این مکان مهم و تاریخی درخواست نکرده‌اند، اگرچه در صورت درخواست هم به‌خاطر مداخله‌های نابجا در این محوطه، با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند شد چون دیگر آن اصالت و یکپارچگی را در محل تلاقی میلیون‌ها زائر خانه خدا، شاهد نیستیم».